

پیشگفتار مترجم

پیشگفتار مترجم / ۹

سه هفته‌ی خسته‌کننده / ۱۵

شب کریسمس ۱۹۵۳ / ۵۱

سفر رایگان به شهر نور / ۷۹

شهر ما امروز با هنک فیست؛ فیل در اتاق چاپ / ۱۰۷

به مریخ خوش آمدید / ۱۱۳

یک ماه در خیابان گرین / ۱۳۷

آلن پین به اضافه‌ی چهار / ۱۷۱

شهر ما امروز با هنک فیست؛ رها در سیب بزرگ / ۱۸۵

کی کیه؟ / ۱۹۳

یک آخر هفته‌ی خاص / ۲۱۹

این‌ها مکاشفه‌های قلب من اند / ۲۵۹

شهر ما امروز با هنک فیست؛ بازگشت از سفر به گذشته / ۲۷۹

گذشته برای ما مهم است / ۲۸۷

پیش ما بمانید / ۳۲۷

برو کاستاس را ببین / ۳۹۷

شهر ما امروز با هنک فیست؛ اوانجلیستای شما، اسپرانزا / ۴۳۵

استیو وانگ بی نظیر است / ۴۴۱

سه هفته‌ی خسته‌کننده

روز ۱

آنا گفت فقط یک جا می‌توانیم هدیه‌ای مناسب برای ام‌دش پیدا کنیم - انبار عتیقه‌ها که قبلاً تئاتر لوکس^۱ بود و حالا بیش از آنکه جایی برای گنج‌های قدیمی باشد بازار فروش اجناس دست‌دوم است. قبل از اینکه شبکه‌های اچ‌بی‌اُ، نت‌فلیکس و ۱۰۷ رسانه‌ی سرگرمی دیگر، تئاتر لوکس را ورشکسته کنند، ساعت‌ها در آن قصر سینمایی باشکوه می‌نشستم و فیلم تماشا می‌کردم. حالا پراست از غرفه‌های اجناسی که به جای عتیقه به مشتری می‌اندازند. من و آنا تک‌تک آن غرفه‌ها را بررسی کردیم.

ام‌دش در شرف دریافت تابعیت آمریکا بود و این موضوع همان قدر که برای خودش مهم بود برای ما هم اهمیت داشت. پدر بزرگ و مادر بزرگ استیو وانگ در دهی‌ی چهل‌تبعه‌ی آمریکا شده بودند. پدر من از دست گردن‌کلفت‌های بی‌کلاس که کمونیست‌های اروپای شرقی دهی‌ی هفتاد بودند فرار کرده بود و اجداد آنا در گذشته‌های دور طول‌اقیانوس اطلس شمالی را با قایق پیمودند و دنبال غارت هر آنچه در دنیای جدید^۲ قابل

۱. Lux Theater . ۱

۲. نامی که به آمریکا گفته می‌شد.